سخنراني در ديدار با جمع كثيري از پرستاران، به مناسبت ميلاد حضرت زينب كبري (س) و روز پرستار - 22 /آبان/ 1370

بسم‌الله‌الرّحمن‌الرّحيم

به همه‌ی برادران و خواهران عزيز، ولادت زينب كبرى، بانوى بزرگ اسلام را تبريك عرض مى‌كنم و به همه‌ی شما خير مقدم مى‌گويم.

به مناسبت روز پرستار، يك جمله‌ی كوتاه در باب ارزش خدمت پرستاران عرض مى‌كنم و آن، اين است كه همه موظفيم از اين انسانهاى فداكار و پُرعاطفه و دلسوزى كه با عمل انسانىِ پرستارى خود، از بيماران در مراحل دشوار بيمارى مواظبت و حمايت مى‌كنند، به عنوان احترام به يك ارزش انسانى والا، قدردانى كنيم. پرستارى حرفه‌يى انسانى و اسلامى است ؛ و جامعه و كشورى مثل ما كه سرشار از عواطف گوناگون است، و نقش عواطف در اين جامعه، همواره نقش برجسته‌يى بوده است، بايد به اين حركت عاطفى بزرگ - كه داراى مبناى عقلانى و فكرى راسخى هم هست - به چشم احترام بنگرد.

پرستاران هم - چه زن و چه مرد - قدر خودشان را بدانند و اين حرفه را مقدس بشمارند. هر حركت انسانى يك پرستار براى بيمار، يك حسنه است و كمكى است به انسانى محتاج كمك ؛ آن هم در شرايطى حساس. پرستارى، در كنار طبابت و هم‌وزن طبابت است.

و اما ولادت حضرت زينب كبرى (عليهاسلام) ايجاب مى‌كند كه ما دايره‌ی بحث را، بخصوص در شرايط كنونى بشريت، وسيعتر قرار بدهيم. زينب كبرى يك زن بزرگ است. عظمتى كه اين زن بزرگ در چشم ملتهاى اسلامى دارد، از چيست؟ نمى‌شود گفت به خاطر اين است كه دختر على‌بن‌ابى‌طالب (عليه‌السّلام)، يا خواهر حسين‌بن‌على و حسن‌بن‌على (عليهماالسّلام) است. نسبتها هرگز نمى‌توانند چنين عظمتى را خلق كنند. همه‌ی ائمه‌ی ما، دختران و مادران و خواهرانى داشتند ؛ اما كو يك نفر مثل زينب كبرى؟

ارزش و عظمت زينب كبرى، به خاطر موضع و حركت عظيم انسانى و اسلامى او بر اساس تكليف الهى است. كار او، تصميم او، نوع حركت او، به او اين‌طور عظمت بخشيد. هر كس چنين كارى بكند، ولو دختر اميرالمؤمنين (عليه‌السّلام) هم نباشد، عظمت پيدا مى‌كند. بخش عمده‌ی اين عظمت از اين‌جاست كه اولاً موقعيت را شناخت ؛ هم موقعيت قبل از رفتن امام حسين (عليه‌السّلام) به كربلا، هم موقعيت لحظات بحرانى روز عاشورا، هم موقعيت حوادث كشنده‌ی بعد از شهادت امام حسين را ؛ و ثانياً طبق هر موقعيت، يك انتخاب كرد. اين انتخابها زينب را ساخت.

قبل از حركت به كربلا، بزرگانى مثل ابن‌عباس و ابن‌جعفر و چهره‌هاى نامدار صدر اسلام، كه ادعاى فقاهت و شهامت و رياست و آقازادگى و امثال اينها را داشتند، گيج شدند و نفهميدند چه‌كار بايد بكنند ؛ ولى زينب كبرى گيج نشد و فهميد كه بايد اين راه را برود و امام خود را تنها نگذارد ؛ و رفت. نه اين‌كه نمى‌فهميد راه سختى است ؛ او بهتر از ديگران حس مى‌كرد. او يك زن بود ؛ زنى كه براى مأموريت، از شوهر و خانواده‌اش جدا مى‌شود ؛ و به همين دليل هم بود كه بچه‌هاى خردسال و نوباوگان خود را هم به همراه برد ؛ حس مى‌كرد كه حادثه چگونه است.

در آن ساعتهای بحرانی که قویترین انسانها نمی‌توانند بفهمند چه باید بکنند، او فهمید و امام خود را پشتیبانی کرد و او را برای شهید شدن تجهیز نمود. بعد از شهادت حسین‌بن‌علی هم که دنیا ظلمانی شد و دلها و جانها و آفاق عالم تاریك گردید، این زن بزرگ یك نوری شد و درخشید. زینب به جایی رسید که فقط والاترین انسانهای تاریخ بشریت - یعنی پیامبران - می‌توانند به آن‌جا برسند.

مادر او فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) زن دیگری بود که مقامش از زینب کبری هم بالاتر بود. اینها زنان الگو و نمونه‌ی اسلامند. زن امروز دنیا الگو می‌خواهد. اگر الگوی او زینب و فاطمه‌ی زهرا باشند، کارش عبارت است از فهم درست، هوشیاری در درك موقعیتها و انتخاب بهترین کارها ؛ ولو با فداکاری و ایستادن پای همه چیز برای انجام تکلیف بزرگی که خدا بردوش انسانها گذاشته است، همراه باشد. زن مسلمانی که الگویش فاطمه‌ی زهرا یا زینب کبری (علیهماالسّلام) باشد، این است.

اگر زن به فکر تجملات و خوشگذرانیها و هوسهای زودگذر و تسلیم شدن به احساسات بی‌بنیاد و بی‌ریشه باشد، نمی‌تواند آن راه را برود ؛ باید این وابستگیها را که مثل تار عنکبوت بر پای یك انسان رهروست، از خود دور کند، تا بتواند آن راه را برود ؛ کمااین‌که زن ایرانی در دوران انقلاب و در دوران جنگ همین کار را کرد، و انتظار این است که در همه‌ی دوران انقلاب همین کار را بکند.

اما الگوی زن ایرانی در این راه، همان است که گفته شد ؛ زینب الگوست. زینب زنی نبود که از علم و معرفت بی‌بهره باشد ؛ بالاترین علمها و برترین و صافیترین معرفتها در دست او بود. همان «سکینه‌ی کبری»یی که شما اسمش را در کربلا شنیده‌اید، و دختر امام و برادرزاده و شاگرد زینب است - کسانی که اهل تحقیق و کتابند، نگاه کنند - او یکی از مشعلهای معرفت عربی در همه‌ی تاریخ اسلام تا امروز است. کسانی که حتّی زینب و پدر زینب و پدر سکینه را قبول نداشتند و ندارند، اعتراف می‌کنند که سکینه (علیهاسلام) یك مشعل معرفت و دانش است.

رفتن این راه، به معنای دور شدن از دانش و معرفت و بینش جهانی و روشنفکری و معلومات و آداب نیست ؛ اینها ورای آنهاست. زن اسلامی، زنی است که راه را درست می‌رود ؛ هدف را درست تشخیص می‌دهد و در این راه حاضر به فداکاری است. و چنین زنی عظمت می‌آفریند ؛ همچنان که زنان ایران عظمت آفریدند ؛ اینها تعارف نیست.

اگر زنان به انقلاب نپیوسته بودند، انقلاب پیروز نمی‌شد ؛ جوانان برای پیوستن به صفوف انقلاب، از خانه‌ها بیرون نمی‌آمدند ؛ مادرانشان نمی‌گذاشتند، یا حداقل آنها را تشویق نمی‌کردند. اگر زنان دل در گرو انقلاب نداشتند، مردان این‌طور آزادنه در صفوف انقلاب جانفشانی نمی‌کردند. نقش زن در انقلاب، هم به طور مستقیم، و هم به طور غیرمستقیم، یك نقش برجسته و مجموعاً نقش اول است ؛ در جنگ هم همین‌طور بود.

من با خانواده‌های معظم شهدا دیدار و نشست‌وبرخاست زیادی داشته‌ام. در کمتر خانواده‌ی شهیدی است که روحیه‌ی مادر از روحیه‌ی پدر بالاتر نباشد. در اغلب خانواده‌ها، روحیه‌ی مادر شهید از روحیه‌ی پدر شهید بالاتر است. این، یك چیز فوق‌العاده است. این، نقش زنان مؤمن را در این انقلاب نشان می‌دهد ؛ زنانی که برای پیروزی انقلاب و برای پیشرفت مقاصد انقلاب ایستادند و همه چیز را برای اهداف و آرمانهای الهی و اسلامی خود فدا کردند.

برای زن، این نقش درست است ؛ اما آنچه که الگوی غربی و اروپایی است، نقطه‌ی مقابل این است. این دو، با هم جمع‌شدنی نیست. در الگوی اروپایی زن، مسأله این نیست که آنها می‌خواهند زن عالم باشد، اما اسلام نمی‌خواهد زن عالم باشد ؛ آنها می‌خواهند زن در مناصب اجتماعی و صحنه‌ی اجتماعی باشد، ولی اسلام نمی‌خواهد ؛ قضیه این

نیست. اسلام زنان عالمه‌ی بزرگی پرورش داده است. اگر امروز هم در جامعه‌ی ما مشاهده کنید، می‌بینید که متخصصان زن، دانشمندان زن، پزشکان زن، محققان زن و هنرمندان بزرگ زن کم نیستند ؛ انسانهای ارزش‌آفرین و صاحب فکر و مکتب در بین آنها هست. در صحنه‌ی سیاسی و در قوای مجریه و مقننه هم همین‌طور است. در همه‌ی بخشهای کشور، حضور زنان، حضور فعالی است. بین ما و آنها، بین تفکر و ارزشگذاری اسلامی و غربی، بحث بر سر اینها نیست ؛ بحث بر سر چیز دیگری است.

الگوی غربیِ امروز اروپایی، برخاسته و زاییده از الگوی باستانی رومی و یونانی آنهاست. آن روز هم این‌طور بود که زن وسیله‌یی برای تکیف و التذاذ مرد بود و همه چیز تحت‌الشعاع این بود، امروز هم این را می‌خواهند ؛ حرف اصلی غربیها این است.

آنها با چه چیز زن مسلمان بیشتر دشمنند؟ با حجاب او. آنها با چادر و حجاب صحیح و متقن شما از همه چیز بیشتر دشمنند. چرا؟ چون فرهنگ آنها این را قبول ندارد. اروپاییها این‌طورند ؛ آنها می‌گویند هرچه را که ما فهمیده‌ایم، دنیا باید از ما تقلید کند! مایلند که جاهلیت خودشان را بر معرفت عالم غلبه بدهند. آنها می‌خواهند زن به سبك اروپایی را در جامعه رواج بدهند ؛ که عبارت است از سبك مد و مصرف و آرایش در انظار عموم و ملعبه قرار دادن مسائل جنسی بین دو جنس ؛ می‌خواهند این چیزها را به وسیله‌ی زنان رواج بدهند. هرجا با این هدفگیری غربیها مخالفت بشود، فریادشان بلند می‌شود! اینها کم‌طاقت هم هستند! همین مدعیان غربی، کمترین مخالفتی را با مبانی پذیرفته‌ی خودشان تحمل نمی‌کنند.

همه جای دنیا را هم توانسته‌اند تحت تأثیر قرار بدهند ؛ مگر محیطهای اسلامی واقعی را. شما اگر به دنیای فقیر آفریقا و امریکای لاتین و شرق آسیا و هرجا که جوامعی هستند، مراجعه کنید، خواهید دید که آن‌جا هم توانسته‌اند همان الگوهای خودشان - همان‌طور آرایش کردن، همان‌طور مصرف کردن و همان‌طور ملعبه شدن زن - را رواج بدهند. تنها جایی که تیر آنها به نشان نخورد، محیطهای اسلامی است، و مظهر آنها جامعه‌ی بزرگ جمهوری اسلامی است ؛ لذا بشدت با این مبارزه می‌کنند.

امروز شما زنان، سنگربان ارزشهای اسلامی در مقابل وضع جاهلی دنیای غرب هستید. شما هستید که دارید از این حصار مستحکم فرهنگ اسلامی محافظت می‌کنید. در علم، در فرهنگ، در سیاست و در همه چیز، زن باید پرورش اسلامی پیدا کند ؛ در میدانهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و همه جا برود و پیشتاز باشد ؛ اما در مسائل شهوانی و جنسی، ملعبه‌ی دست این و آن نشود ؛ این حرف ماست.

در مکتب اسلام، حفاظ و حجابی بین زن و مرد وجود دارد. این به معنای آن نیست که زنان، عالم جداگانه‌یی غیر از عالم مردان دارند ؛ نه، زنان و مردان در جامعه و در محیط کار، با هم زندگی می‌کنند ؛ همه جا با هم سر و کار دارند ؛ مشکلات اجتماعی را با هم حل می‌کنند ؛ جنگ را با هم اداره می‌کنند و کردند ؛ خانواده را با هم اداره می‌کنند و فرزندان را پرورش می‌دهند ؛ اما آن حفاظ و حجاب در بیرون از محیط خانه و خانواده حتماً حفظ می‌شود. این، آن نکته‌ی اصلی در الگوسازی اسلامی است. اگر این نکته رعایت نشود، همان ابتذالی که امروز غرب دچار آن است، پیش می‌آید. اگر این نکته رعایت نشود، زن از پیشتازی در حرکت به سمت ارزشها - که در ایران اسلامی دیده شد - باز خواهد ماند. غربیها مایلند با تمام توان، آن نکته را هم در جایی به نحوی نسبت به هر کسی رسوخ دهند.

به اعتقاد من، گرایش به سمت مدگرایی و تجمل‌گرایی و تازه‌طلبی و افراط در کار آرایش و نمایش در مقابل مردان، یکی از بزرگترین عوامل انحراف جامعه و انحراف زنان ماست. در مقابل اینها، خانمها بایستی مقاومت کنند.

آنها برای این‌که از زن، آن‌چنان موجودی به وجود بیاورند که مورد نظر خودشان است، محتاج این هستند که دایماً مد درست کنند و چشمها و دلها و ذهنها را به همین چیزهای ظاهری و کوته‌نظرانه مشغول کنند. کسی که به این چیزها مشغول شد، کی به ارزشهای واقعی خواهد رسید؟ مجال پیدا نمی‌کند برسد. زنی که در فکر باشد از خود وسیله‌یی برای جلب نظر مردان بسازد، کی فرصت این را پیدا خواهد کرد که به طهارت اخلاقی فکر کند و بیندیشد؟ مگر چنین چیزی ممکن است؟ آنها این را می‌خواهند. آنها مایل نیستند که زنان جوامع دنیای سوم، دارای فکر روشن و آرمانخواه باشند ؛ خودشان دنبال هدفهای بزرگ حرکت کنند و شوهر و فرزند خود را هم حرکت بدهند. زنان جوان در جامعه‌ی ما باید خیلی مراقب باشند، تا این کمند ناپیدای بسیار خطرناك فرهنگ و تفکر غربی را بشناسند ؛ از آن پرهیز کنند و جامعه‌ی زنان را از آن جدا و برحذر بدارند.

امروز این راهی که ملت اسلام، بخصوص ملت بزرگ و شجاع ایران در پیش گرفته است - راه تحقق آرمانهای اسلامی - راه نجات انسانها، راه دفع ظلم، راه شکستن بتهای زر و زور قدرت در دنیاست ؛ بایستی این راه را درست شناخت و از آن پاسداری و حراست و حفاظت کرد. به اراده‌های قوی، به دلهای محکم و ظرفیتهای بالا احتیاج است ؛ و این جز با تربیت الهی و اسلامی مرد و زن ما امکانپذیر نیست. صلاح زنان در جامعه، به دنبال خود، صلاح مردان را هم می‌آورد. نقش زنان در این مورد، جزو نقشهای برجسته و شاید نقش اول است.

از خداوند متعال مسألت می‌کنیم که همه‌ی شما خواهران و برادران را مشمول لطف و رحمت و هدایت خود قرار بدهد، و زنان و مردان جامعه‌ی ما را جزو بهترین بندگانش محسوب بدارد و مورد رضای ولیّ‌عصر (ارواحنافداه) قرار بدهد.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته